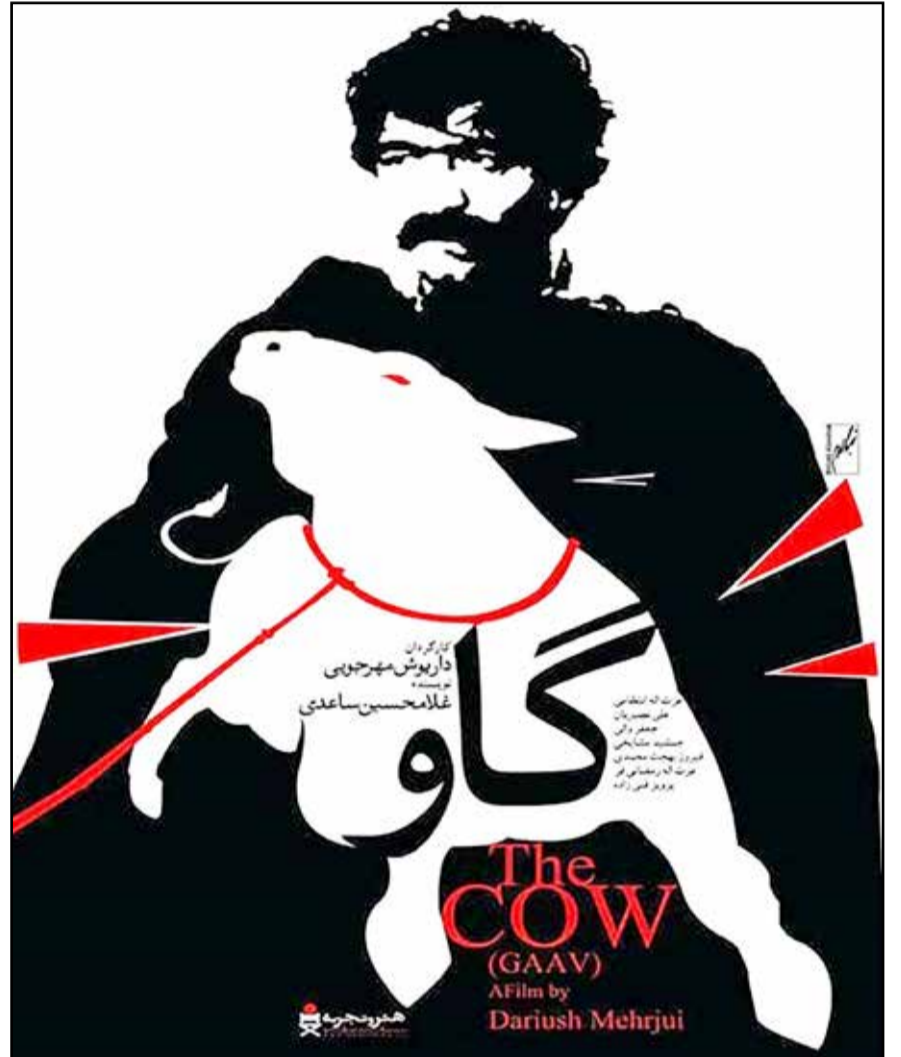


مروری بر جایگاه ادبیات در فیلم سازی

شکاف میان کتاب و سینما در ایران



انسانه فرقدان

درست از همان بسدو تولد هنر هفتم و پیش از سیطره اش بر جهان و اندیشه انسان مدرن و یکسویه کردن نگاه ساکنان دهکده جهانی، ادبیات و ساختارش سنگ بنای نخستین روزها و سالهای جهان تصویر را گذاشتند. تلاش برای قصه سازی در چارچوب پرده سینما، از ادبیات شفاهی شروع شد تا در نهایت نخستین رمانس های جهان در ادبیات داستانی را وارد سینما کرد تا واقعی شدن و جان گرفتن آدم های قصه ها، انسان قرن بیستم را پای پرده بزرگ سینمای صامت بنشاند و پس از آن صدا و تصویر را به جادوی مسحور کننده مدرنیته تبدیل کند.

بنابراین ضروری است که به جایگاه ادبیات و کتاب در این هنر قدرتمند در زندگی انسان قرن بیست و یکم بپردازیم و همچنین از تأثیر سینما و تصویر بر روند خواننده شدن کتاب ها غافل نشویم.

بی شک بررسی تولد نخستین فیلم ها و جزئیات روند تأثیر گذاری ادبیات و کتاب ها در سینما، صفحات بسیاری را می طلبد که می شود و باید کارشناسانه به آن پرداخت. در نتیجه چنین امر مهمی را به نشریات تخصصی فیلم و سینما و وامی گذاریم. اکنون در این مجال کوتاه به موجودیت کتاب در سینما و تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر مروری خواهیم کرد تا طرح مسئله ای باشد برای پرداختن به آن توسط نویسندگان حرفه ای فیلم و سینما.

ورود فیلم های اقتباسی از ادبیات، جان تازه ای به سینما داد و آن را غنا بخشید

اما این پیوند در ایران مانند بسیاری از اتفاقات دیگر، پیوند محکم و جان داری نبود و نتوانست پایه پای سینمای غرب و حتی کشورهای آسیای شرقی پیش برود. سینما از بدو ورودش به ایران، با وجود این که به سرزمینی با ادبیات غنی هزار ساله قدم می گذاشت، کمتری یمن بهره را از ادبیات کهن چه شفاهی و چه مکتوب و حتی ادبیات مدرن ایرانی گرفت و بجز آثار درخشانی چون «گاو» غلامحسین ساعدی و آثار دیگری چون «سنگ صبور» صادق چوبک، «دش آکل» صادق هدایت و «شازده

روی صحنه و پرده سفید جادویی جان بایند و آدم ها از درون کتاب ها بیرون بیایند و جذابیت رمان های عاشقانه پر ماجرا را برای مردم دوچندان کنند. بنابراین ادبیات عاشقانه پیش قراول حضور در سینمای سیاه و سفید شد، اما در واقع ادبیاتی بود که به تقلید از رمان ها، در قالب فیلم نامه فقط برای پرده سینما نوشته می شد. اما بالاخره سینمای صدا دار و رنگی امکانات لازم برای اقتباس از رمان های بزرگ را فراهم کرد. در نتیجه فیلم سازان غربی آگاهانه شروع به اقتباس از رمان های پر فروش و موفق همچون «بر باد رفته» کردند. تجربه موفق فیلم «بر باد رفته» که شخصیت های محبوب رمان را برای خوانندگان زنده کرده بود، با اقتباس از رمان های دیگر ادبیات غربی ادامه یافت. بنابراین ورود فیلم های اقتباسی از ادبیات، جان تازه ای به سینما داد و آن را غنا بخشید. روند منطقی داستان هایی که نویسندگان حرفه ای می نوشتند، ایرادات ناشی از سرعت در نوشتن فیلم نامه ها و حرفه ای نبودن فیلم نامه نویسان را از بین برد. پیوند میان ادبیات و سینما، فرخنده پیوندی بود که تا اکنون و امروز ادامه یافته و آثار درخشانی را به سینمای جهان تحویل داده است. پس از آن، علاوه بر فیلم های سینمایی، انیمیشن های والت دیزنی، پر فروش ترین کتاب سال های اخیر یعنی هری پاتر و حتی سریال های پر بیننده در سطح جهانی همچون «بازی تاج و تخت» حاصل همین پیوند بودند.

پیوند سست ادبیات و سینما در ایران

اما این پیوند در ایران مانند بسیاری از اتفاقات دیگر، پیوند محکم و جان داری نبود و نتوانست پایه پای سینمای غرب و حتی کشورهای آسیای شرقی پیش برود. سینما از بدو ورودش به ایران، با وجود این که به سرزمینی با ادبیات غنی هزار ساله قدم می گذاشت، کمتری یمن بهره را از ادبیات کهن چه شفاهی و چه مکتوب و حتی ادبیات مدرن ایرانی گرفت و بجز آثار درخشانی چون «گاو» غلامحسین ساعدی و آثار دیگری چون «سنگ صبور» صادق چوبک، «دش آکل» صادق هدایت و «شازده

احتجاب» هوشنگ گلشیری و چند اثر دیگر و حتی با وجود این که ابراهیم گلستان ادبیات و سینما را در ذات خود هم گام با هم پیش می برد، سینمای ایران چندان روی خوشی به ادبیات نشان نداد. ادبیات شفاهی، اساطیر دیرپای هند و ایرانی، اساطیر اوستایی، نمایش نامه های عظیم شاهنامه، داستان های بی بدیل مثنوی مولانا و داستان های شگفت انگیز سعدی و کلیله و دمنه و آثار ماندگار دیگر شاعران ایرانی، قصه های هزار و یک شب و تاریخ شگفت انگیز و پر نشیب و فراز ایران، مملو از قصه های جذاب و حتی فانتزی است که سینمای ایران نتوانسته از آن ها آن طور که باید، استفاده کند تا به سینمای فیلم فارسی و داستان های آیکی عاشقانه دچار نشود. همچنین ادبیات داستانی دهه ۴۰ که ورود رمان و داستان مدرن را در نثر تجربه می کرد، آثار درخشانی را خلق کرد که سینما و تلویزیون می توانست گام به گام با آن پیش برود و محتوای سینمای ایران را با پیچیدگی ادبیات شرقی ایرانی جذابیت بخشد. البته همان طور که گفته شد، اقتباس های ادبی اتفاق افتاد، اما بسیار اندک و ناچیز بودند و در انبوه فیلم فارسی ها گم شدند. اکنون حتی آن میزان اندک نیز به فراموشی سپرده شده و فیلم ها به طنزهای سطحی و ایده های نخ نما ی خانوادگی در فضاهای خوش آب و رنگ تقلیل پیدا کرده است.

تأثیر متقابل ادبیات و سینما روی یکدیگر

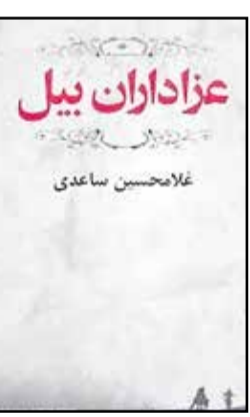
اما مسئله مهم درباره اهمیت فیلم های اقتباسی از رمان ها، این است که بر اساس نظر سنجی ها، لذت بردن از خواندن کتاب و دریافت جان داستان در کتاب برای خواننده حرفه ای بیشتر است تا فیلمی که از آن اقتباس شده است، اما به هر حال ساخت فیلم از یک کتاب، در معرفی و شناساندن آن کتاب

ساخت فیلم از یک کتاب، در معرفی و شناساندن آن کتاب تأثیر گذار است و میزان فروش کتاب را تغییر می دهد

به اوج شهرت رسید که فیلمی به همین عنوان از آن ساخته شد تا در رده بهترین کتاب های دله را و روحش قرار بگیرد و نویسنده کتاب را به شهرتی جهانی برساند. اکنون پس از حدود ۳۰ سال نویسنده این اثر ماندگار در ادبیات و سینما دوباره اوج شهرت بازگشت و رمان «کری مور» در صدر جدول پر فروش های ماه گذشته قرار گرفت. توماس هریس در کهنسالی به سر می برد، اما با گذشت ۳۰ سال از اوج شهرتش، همچنان به کار نوشتن رمان پرداخت تا بتواند

سینمای ایران پایه و بدنه مستحکمی همچون ادبیات ایران ندارد و عدم همکاری نویسندگان و فیلم ساز شکاف عمیقی بین کتاب و سینمای کشور ایجاد کرده است

تأثیر گذار است و میزان فروش کتاب را تغییر می دهد. یعنی سینما نه تنها با اقتباس از ادبیات، آن را کنار زده است، بلکه کمک کرده که کنجکوی مخاطبان فیلم برای خواندن کتاب مورد اقتباس تحریک شود و در نتیجه به بقای آن یاری رساند. اما گویا همچنان تأثیر ادبیات بر سینما هنوز برای فیلم سازان ایرانی اثبات نشده است و با آن مانوس نیستند. بنابراین کتاب ها یا در کتابخانه ها یا نشان گوشه نشین می شوند یا آن ها تنها به عنوان فیلم نامه نویسی خود متکی هستند. این در حالی است که سینمای غرب از داستان های هزار و یک شب تا سینمای ایران را با پیچیدگی ادبیات شرقی ایرانی و حتی شاهنامه را مبنای بخشی از فیلم سازی خود قرار داده است. از این روست که سینمای ایران پایه و بدنه مستحکمی همچون ادبیات ایران ندارد و عدم همکاری بین کتاب و سینمای ایران ایجاد کرده است. نگاه و کاوشی دقیق در سینمای غرب می تواند درس های زیادی درباره اهمیت کتاب در سینما برای ما داشته باشد. کما این که به تازگی نوعی تبلیغ کتاب خواندن در فیلم های سینمایی باب شده است تا به مخاطب خود بیاموزد که قهرمان فیلم، قدرت خود را از دانش و کتاب خواندن به دست آورده است.



مجددا موفقیت گذشته اش را باز یابد. بر اساس اعلام مجله «نیویورک تایمز»، توماس هریس، نویسنده «سکوت بره ها» با کتاب جدیدش تحت عنوان «کری مور» به فهرست پر فروش ها برگشته است که در آن یکی از دیگر نویسندگان پرفروش، با کتابی که سریال «بازی و تاج و تخت» از آن اقتباس شده است، در لیست کتاب های پر فروش قرار گرفت تا بار دیگر به اهمیت سینما و رابطه تنگاتنگ آن با کتاب پی ببریم.

یادداشت

یادداشتی بر رمان زمستان جان اشتاین بک
آخرین فصل زندگی



جان مصدق

«زمستان»، نوشته جان ارنست اشتاین بک، ترجمه شهرزاد لولاجی را نشر مروارید منتشر کرده است. در نخستین نگاه، روی جلد کتاب که نوشته: «آخرین رمان جان اشتاین بک»، کنجکوی خواننده حرفه ای رمان را برمی انگیزد که این خالق شاهکار خوشه های خشم و برنده جایزه نوبل، در آخرین رمانش دست به خلق چه دنیایی و چه آدم هایی زده است؟ و آخرین نگاه او به دنیای عمر نه چندان بلندش چه بوده است؟

زمستان رمان کم و بیش بلندی است که در ۲۲ فصل نوشته شده است. فصل های عنوان و کاملاً پیوسته به هم هستند. آغاز رمان بیشتر بر پایه دیالوگ است تا توصیف. به این خاطر رمان در ابتدا کمی سخت جلو می رود، اما کمی که با فضا و شخصیت ها و حال و هوای رمان جفت می شوی، شخصیت ها شناخته می شوند تا تباط با این شیوه نوشتن آسان می شود. رمان درباره خانواده ای است که اجدادشان به آمریکا مهاجرت کرده اند و حالا جزء اصیل ترین مردم آمریکا محسوب می شوند، اما از پس سال ها، اکنون با وجود گذشته ای درخشان که به آن می بالند، درگیر مسائل اقتصادی هستند.

راوی پدر خانواده است که با وجود مشکلات، عشق به همسر و فرزندانش را فراموش نمی کند. مذهب را بر نمی تابد و نگاهی متفاوت البته گاه نهمیلیستی به دنیا دارد. شاگرد یک خواروار فروشی است و بسیار درستکار و وفادار و خلاصه مرد خوب خانواده. اما اگر داستان از آن جا شروع می شود که تصمیم می گیرد برای حل مشکلات اقتصادی خانواده، کاری بکند تا هم عنوان گذشته خاندانش را باز یابد و هم رضایت همسر و فرزندانش را جلب کرده باشد. این تصمیم افراد جدیدی وارد زندگی او می شوند و کشش داستان از همین جا آغاز می شود. جان اشتاین بک نگاه موشکافانه و روانشناختی ای از این شخصیت به دست می دهد و نشان می دهد که شرایط اقتصادی و جامعه چگونه آرام آرام، دست به تغییر انسان ها می زند و چگونه شرایط سخت و عنصر پول روح انسان ها را تحت تأثیر قرار می دهد. جان اشتاین بک درباره آنچه در درون شخصیت داستان رخ می دهد که در واقع نقطه قوت این رمان نیز هست، کاملاً بی قضاوت است. او فقط می خواهد نشان دهد روح انسان ها با تمام باورهایشان در برابر شرایط پیش رویشان چگونه تغییر می کند بدون این که انگشت اتهامش را به سویشان بگیرد. بدون این که بخواهم قضایای داشته باشم، باید بگویم که پرداخت شخصیت و سیر تغییر او یا نگاه و پرداخت و نثر فوق العاده این نابغه آفرینش ادبی آن قدر قابل تحسین است که می توان بلند شد و تمام قد در برابرش ایستاد. درباره این رمان باید بسیار گفت و گفت یا باید بی کلام بود و چیزی نگفت. چرا که این رمان بدون این که بخواهد شیوه های تکنیکی پیچیده در رمان نویسی، از آن دست که امروزه در ایران فراوان می بینیم را به رخ خواننده بکشد؛ خودش به سادگی معرف قدرتش در پرداخت روح انسانی است. البته که ترجمه خوب خانم شهرزاد لولاجی هم در درک نثر و فضای رمان بسیار کار آمد بوده است.



نگاهی به کتاب تازه ابوتراب خسروی؛ روایتی از تجربه نوشتن



کتاب «حاشیه ای بر مبنای داستان» از ابوتراب خسروی منتشر شد. این کتاب جزو آثار نظری ابوتراب خسروی درباره داستان و داستان نویسی است که نشر نیما آن را منتشر کرده است.

کتاب «حاشیه ای بر مبنای داستان» شامل یک مقدمه و ۱۵ فصل با نام هایی همچون «شکل نوشتن»، «خیال»، «ماهیت داستان»، «موضوع روایت»، «زاویه دید»، «چگونگی شکل گیری داستان»، «گفت و گو در داستان» و... است که می تواند برای علاقه مندان به داستان و داستان نویسی مفید باشد. ابوتراب خسروی بی اغراق رمان های تأثیر گذاری را در کارنامه ادبی خود دارد و توانسته فرم های بدیع و روایت های خلاقانه ای در داستان ها و رمان هایش ارائه کند و چه کسی بهتر از نویسنده ای تا بدین پایه مجرب می تواند برای انتقال تجربه های نغز

داستان نویسی مناسب باشد باید بدانیم که خسروی صرفاً تئوری پرداز نیست که گزاره های غیر عملی و انتزاعی صادر کند؛ او رمان نویسی است بسیار موفق و در عین حال مسلط بر نظر بهای ادبی و اگر در خصوص مبنای داستان نویسی، حاشیه پردازی و نظریه های علمی شناسد و می تواند خواننده را پایه یا راهبری کند تا با مباحثه هایش تصویر روشن، یگانه و راهگشا از جهان داستان و داستان نویسی به دست دهد. پیش تر هم کتاب دیگری در همین زمینه با نام «در حاشیه داستان» به قلم ابوتراب خسروی در همین نشر منتشر شده بود.



کتاب سکوت بره ها اثر درخشان توماس هریس، نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۸۸ منتشر شد که دنباله رمان اژدهای سرخ بود. رمان سکوت بره ها وقتی

نویسنده ای که پس از ۲۰ سال دوباره به دوران اوج خود بازگشت خالق سکوت بره ها سکوتش را شکست

به اوج شهرت رسید که فیلمی به همین عنوان از آن ساخته شد تا در رده بهترین کتاب های دله را و روحش قرار بگیرد و نویسنده کتاب را به شهرتی جهانی برساند. اکنون پس از حدود ۳۰ سال نویسنده این اثر ماندگار در ادبیات و سینما دوباره اوج شهرت بازگشت و رمان «کری مور» در صدر جدول پر فروش های ماه گذشته قرار گرفت. توماس هریس در کهنسالی به سر می برد، اما با گذشت ۳۰ سال از اوج شهرتش، همچنان به کار نوشتن رمان پرداخت تا بتواند